

چگونه #قوی شویم؟

در صورت رضایت از این متن عدد ۳۱ و در غیر این صورت عدد ۳۲ را به شماره‌ی ۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵ پیامک کنید

حرف زدن از قدرت و جهت‌گیری به سمت آن شاید از دید بیرونی یک امر عادی برای یک رهبر اجتماعی باشد؛ اما اگر رهبر یک مملکت اسلامی که بنای پیاده‌سازی اسلام را دارد حرف از مقوله‌ی قدرت و «قوی شدن» بزند می‌طلبید که در مفهوم و راه و هدف این قدرت تامل بیشتری صورت بگیرد.

اولا در یک حکومت اسلامی قدرت برای رضای الهی کسب می‌شود؛ یعنی هدف از مقتدر شدن یک کشور اسلامی این نیست که برای مثال، همانند ابرقدرت‌های تاریخ به ملت‌های ضعیف زور بگویند و آن‌ها را چپاول کند - امری که امروزه با شیوه‌های جدید توسط قدرت‌های

مادی انجام می‌شود- بلکه اتفاقا این قدرت اگر به کار ملت‌های مستضعف نیاید ارزشی پیش خداوند نخواهد داشت. قدرتی که در نهایت قرار باشد در راهی جز پیاده‌سازی اسلام استفاده شود، آن قدرت قطعا منظور رهبری جامعه‌ی اسلامی نخواهد بود. قدرتی که نفعی برای مسلمانان نداشته باشد نیز چنین است.

ثانیا روش دستیابی به این قدرت در یک حکومت اسلامی کاملا متفاوت از سایر حکومت‌هاست. اگر قدرت‌های غربی امروزه به مدد امپراتوری خبری و رسانه‌ای خود ذهن‌های مستضعفین

فکری جهان را در اختیار خود گرفته‌اند و ابایی از دروغ و تهمت و شایعه‌پراکنی‌های باطل خود در این راه ندارند، این روش رسیدن به قدرت را نمی‌توان به جمهوری اسلامی هم تعمیم داد. حکومت اسلامی ما همانند حکومت نوپای رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه تمام توانش به همین مردم مسلمان و پای کار انقلاب است. اگر هرکس در هر قشری نقش خودش را در قوت گرفتن



حکومت اسلامی بازی نکنند، انتظار این‌که «خودشان» (بخشی نامعلوم در حکومت) در راه قوت اسلام حرکت کنند انتظار درستی نیست؛ و باید به این حقیقت هم اعتراف کرد که همیشه‌ی تاریخ فقط عده‌ای از میان جمع مردم شانه زیر بار اسلام داده‌اند و خودشان را مخاطب آیه‌های جهاد خداوند دیده‌اند. حقیقتا درست است که مولایمان امیرالمومنین (علیه‌السلام) فرموده باب جهاد به روی اولیای خاص خداوند باز است. همین تفاوت روش رسیدن به قدرت در نظام اسلامی با سایر نظام‌ها باعث می‌شود در یک سمت عالم

تمام متفکرین و فلاسفه‌ی اجتماعی بنشینند و به زور قوانین و مقررات مردم را برای رسیدن به قدرت مادی‌شان برده‌وار به کار بگیرند و در سمت دیگر یک مقوله مثل «جهاد» کار را یکسره کند. همینقدر اشاره شود که هنوز هم که هنوز است بخشی از مردم آمریکا به بهانه‌ی بسط دموکراسی (!) حاضر به حضور نظامیان‌شان در ۱۱ هزار کیلومتر آنطرف‌تر از مرزهایشان شده‌اند؛ یعنی یک آرمان غربی مثل دموکراسی را برای مردم خودشان چنان مقدس کرده‌اند که حاضرند برای آن جوانانشان را با اسلحه‌ای که مالیات خودشان آن را تامین کرده است به کشورهای فاقد دموکراسی بفرستند و آن‌ها را متمدن کنند!

البته که این دروغ‌ها را ما ملت‌های تحت استعمار تاریخی غرب بهتر درک می‌کنیم. بگذریم که این ایام که دموکراسی در عراق می‌خواهد نظامیان آمریکایی از این کشور خارج شوند (رای پارلمان عراق مبنی بر خروج نظامیان آمریکا از خاک عراق) دم خروس غربی‌ها بیرون زده و با همان نیروهای نظامی‌شان برای تامین نفت مقابل دموکراسی عراق ایستاده‌اند.

از این‌سو اما مفهومی به اسم «جهاد» طومار قدرت‌های نمایشی غربی را درهم

(ادامه در صفحه ۴)

ملت عزیز ایران باید هم‌تشان این باشد که قوی بشوند. تنها راه در پیش پای ملت ایران عبارت است از قوی شدن؛ باید تلاش کنیم قوی بشویم ... البته قدرت فقط قدرت نظامی نیست؛ قدرت، قدرت نظامی نیست؛ اقتصاد کشور باید قوی شود، وابستگی به نفت بایستی تمام بشود، نجات پیدا کنیم از وابستگی اقتصادمان به نفت؛ جهش علمی و فناوری باید ادامه پیدا کند؛ پشتوانه‌ی همه‌ی اینها هم حضور مردم عزیزمان در صحنه است. باید ملت ایران و مسئولین کشور تلاششان برای قوی شدن کشور و قوی شدن ملت باشد، با اتحاد، با حضور، با صبر و استقامت و با کار سخت و پرهیز از تبلی؛ این اگر [محقق] شد، به توفیق الهی، به فضل الهی، ملت ایران در آینده‌ی نه چندان دوری آنچنان خواهد شد که دشمنان حتی جرئت تهدید هم پیدا نکنند.

۱۳۹۸/۱۰/۲۷



ذبح جهاد

چرا یکی از دو بال انقلاب اسلامی توسط نهادهای حکومتی قطع شد؟

در صورت رضایت از این متن عدد ۳۳ و در غیر این صورت عدد ۳۴ را به شماره‌ی ۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵ پیامک کنید

در این تشکیلات و پویا بودن آن باعث می‌شود با شروع جنگ تحمیلی به سرعت اهداف جدیدی را در کنار هدف قبلی به کار تشکیلات اضافه کنند. پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد نقش عجیبی را در جنگ ایفا می‌کند که سال‌ها برای ارتش‌های دنیا الگو می‌شود. ساخت پل‌ها، خاک‌ریزها و... در شرایط جنگی برای عملیات مختلف جنگی به حدی خارق‌العاده انجام می‌شود که به اذعان دشمن بعثی حتی فکر آن‌هم در مخیله‌ی کسی نمی‌گنجد. پایه‌ی ساخت اولین موشک‌های دوربرد ایران در همین ایام ایجاد می‌شود. در ساختار جهاد هر کس می‌توانست نقشی را بر عهده بگیرد، برنج‌فروش بازاری یک کیسه برنج را به بچه‌های پشتیبانی جنگ می‌دهد، کامیون داران یک ماه خود و کامیونشان را وقف جنگ می‌کنند، زنان دستکش و کلاه و شال‌گردن برای رزمندگان می‌بافند. خلاصه ساختار مردمی جهاد اجازه‌ی حضور همه‌ی اقشار را در جهاد به‌عنوان یک تکلیف الهی می‌دهد. مشهور است که سپاه و جهاد دو بال انقلاب اسلامی هستند. هر دو ساختاری مردمی، با اهداف الهی و روحیه‌ی خستگی‌ناپذیر برای انقلاب دارند. یکی در بعد امنیتی کار می‌کند و دیگری بال اقتصادی انقلاب می‌شود. اهمیت جهاد سازندگی تا جایی است که امام جهادگران در وصف کار آن‌ها می‌گوید: «جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است. فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام

بافرمان امام خمینی (ره) تمام اقشار مردم که دغدغه‌ی عملی سازی شعارهای انقلاب را دارند پای صحنه می‌آیند و هر کس بسته به توان و ظرفیتش باری را بر عهده می‌گیرد. گروه‌های جهادی با اهدافی مثل ساخت حمام و مسجد و مدرسه به روستاها می‌روند و حتی در دروی گندم نیز نهضتی راه می‌اندازند. کمک به مردم بدون چشم‌داشت و با نیت الهی کم‌کم دل‌ها را متوجه این حرکت می‌کند. چه از خود روستاها که مردم کنار این جهادگران خستگی‌ناپذیر قرار می‌گیرند و چه متخصصانی که از قلب استکبار، ایالات‌متحده، به هدف کمک به مستضعفین خودشان را به این حرکت می‌رسانند.

چند اصل از ابتدا در جهاد سازندگی وجود دارد. مردمی بودن و اتکای به خود مردم برای عمران و آبادی از این اصول است. قدرت مردم از قدرت هر حکومتی بیشتر و بالاتر است. همین نیروهای مردمی ساختاری ضد دیوان‌سالاری را به جهاد می‌دهد که اصل دیگری از آن است. دوری از گیروبندهای اداری در عین رعایت نظم و مقررات تنها در سایه‌ی اعتماد به نیروهای سازمان امکان‌پذیر است که این اعتماد با توجه به روحیات جهادی‌ها و ایمان آن‌ها حاصل می‌شود. روحیه‌ی دغدغه‌مندی برای مردم و کار برای رضای خدا که در افراد جهاد سازندگی وجود دارد، به یک روحیه‌ی جمعی در کل این تشکیلات می‌رسد که در کمبود توجهات دولتی بازهم برای پیشبرد انقلاب کار را زمین نمی‌گذارند. دوری از کاغذبازی

«آن‌هایی که برای یک مستمند و یک مؤمن خدمت بکنند آن‌همه اجر پیش خدا دارند. و شما که برای میلیونها مستمند و میلیونها مستضعف خدمت میکنید جز خدای تبارک‌وتعالی کسی نمیتواند احصا کند اجر شما را» (امام خمینی (ره)، ۱ خرداد ۶۲)

این اجر بزرگ را پیر جماران به فرزندان جهادی‌اش وعده می‌دهد. همان‌هایی که مخلصانه از ابتدای انقلاب اسلامی خودشان را وقف خدمت به مستضعفان و مستمندان می‌کنند. همان‌هایی که امید می‌دهد در دوران‌های زنده کردند. داستان جهاد سازندگی با انقلاب ۵۷ شروع می‌شود و چند سال بعد این نهاد انقلابی توسط جریانی در داخل کشور ذبح می‌شود. در این نوشتار به دنبال این هستیم که جهاد چه بود و چرا شیشه‌ی عمرش شکسته شد.

با شروع انقلاب اسلامی و در تب تند حوادث سال‌های ابتدایی، هر فردی سعی می‌کند نسبت خودش را با این پدیده روشن کند. گروهی از جوانان دغدغه‌مند که عمدتاً دانشجو هم هستند گرد هم می‌آیند و نهالی را می‌کارند که ثمرات پربرکتش به دورترین نقاط کشور هم می‌رسد. دغدغه‌ی آن‌ها رفع محرومیت‌های اقتصادی مردمی بود که غفلت نظام شاهنشاهی از آنان، ویرانه‌ای را بر سرشان خراب کرده بود. همان‌ها که در روستاها و شهرهای دورافتاده به‌سختی با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کردند. شروع جهاد با این دغدغه‌ی مقدس است.

هفته‌ی آینده در گذشته!

۲ بهمن ۱۳۵۷

تظاهرات سراسری مردم در اعتراض به بسته شدن فرودگاه مهرآباد

میلیون‌ها نفر در سراسر کشور طی تظاهراتی خواستار باز شدن فرودگاه مهرآباد برای بازگشت امام خمینی شدند و کارشکنی‌های بختیار را محکوم کردند.

۶ بهمن ۱۳۴۹

اجتماع گسترده‌ی مردم برای ملی شدن صنعت نفت به دعوت آیت الله کاشانی

مردم تهران در تظاهرات گسترده‌ای که به دعوت آیت الله کاشانی در مسجد امام خمینی فعلی برگزار شد، خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند.

۵ بهمن ۱۳۵۸

برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری در کشور

اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار شد. در پی این انتخابات ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان نخستین رئیس‌جمهور اسلامی ایران انتخاب شد.

امام علی (علیه‌السلام): در حقیقت خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگداشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد. به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی‌شود. (کافی، ج ۵، ص ۸، ح ۱۱)

ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.» (امام خمینی (ره)، ۴ آذر ۶۷). یعنی بخشی از وظیفه‌ی سنگین تمدنی اسلام را بر دوش جهاد می‌بینیم.

با اتمام جنگ و با شروع دولت سازندگی، جهاد سازندگی عضوی زائد به نظر می‌آید! قبلاً (سال ۶۲) جهاد را تبدیل به وزارتخانه می‌کنند. امری که به گفته‌ی پیشکسوتان جهاد، به سرعت بدنه‌ی مردمی را از آن می‌گیرد. چراکه مردم دیگر احساس حضور داوطلبانه را از دست می‌دهند و بودجه‌ی دولتی را دخیل در کار می‌بینند. اما روحیه‌ی جهادی همچنان در مدیران این تشکیلات تا مدت‌ها باقی

می‌ماند. تیر خلاص به این بال انقلاب در سال ۷۹ و با ادغام وزارت جهاد با وزارت کشاورزی زده می‌شود. ساختار مردمی و پویا و روحیات انقلابی جهاد تبدیل به اداره‌ای درگیر قیود کند کننده می‌شود. به قول شهید آوینی اداره‌هایمان جهادی نشدند؛ که «جهاد»

اداره شد. به جای آن که مدل جهاد سازندگی ساختارهای پوسیده‌ی ناکارآمد طاغوتی - که تا همین سال‌ها هم عملکرد ضعیفشان امتداد یافته - را ترمیم کند و روحیه‌ی کار برای خدا را به ادارات ما بیاورد، جهاد بدل به وزارت می‌شود که حقوق سر ماه کارکنانش جایگزین هدف خدمت به مردم می‌شود. «جهادی»هایی که تا مدت‌ها از گرفتن حقوق دولتی اکراه داشته‌اند را مقید به فیش حقوقی برای کار می‌کنند. بدنه، اهداف و ساختار «جهاد» با تیغ کند حکومتی ذبح می‌شود.

برای تحمیل این قربانی به انقلاب اسلامی توجیهات مختلفی تراشیده می‌شود. از نبود

تخصص در جهادی‌ها می‌گفتند. تخصصی که پروژه‌های مهندسی خارق‌العاده‌ای را رقم زده. نویسنده‌ی این سطور خود مدرک مهندسی دارد و با اطمینان می‌توان گفت که ابعاد، سرعت و فناوری‌های فنی پروژه‌های مهندسی جنگ جهاد هنوز که هنوز است باعث شگفتی است. پروژه‌هایی که در سایه‌ی روحیه‌ی جهادی مهندسان انجام شده است. توجیه دیگر، دخالت کارهای جهاد در کارهای دولت است. دخالتی که با یک برنامه‌ریزی و هماهنگی قابل‌رفع شدن بود. توجیه دخالت و موازی کاری را عده‌ای برای انحلال سپاه نیز می‌آوردند که با تدبیر مقامات



ایجاد زمزمه‌هایی در جهت ادغام جهاد در واقع انحلال آن شد. نمی‌توان عدم وجود جهاد سازندگی در جنگ اقتصادی امروز را ندیده گرفت. چه‌بسا اگر آن ساختار و روحیه همچنان وجود داشت، تفوقی در زمینه‌ی معیشتی مردم حاصل می‌شد که اثر تمامی تحریم‌ها و بی‌تدبیری‌ها را خنثی می‌کرد. جهاد و سپاه در کنار یک‌دیگر و با تشابهات زیادی کارشان را شروع کردند. یکی از آن‌ها توسط جریانی در سطح دولتی ذبح شد و دیگری همچنان تحت بیشترین فشارها و تخریب‌ها از سمت تفکرات لیبرالی و ضدانقلابی است. همین نبود جهاد باعث شده است سپاه در سیل

و زلزله و پروژه‌های عمرانی مختلف احساس وظیفه کند. نبود جهاد بسیاری از جوانان انقلابی را از عرصه‌ی جهاد برای خدا محروم کرده است. جریانی که ناکارآمدی خودش برای عموم مردم روشن شده باز هم راه را در تخریب یک نهاد انقلابی دیگر - سپاه پاسداران - دیده است. این جریان که

پشتوانه‌های خارجی آن از سفیر بریتانیا گرفته تا توییت‌های فارسی ترامپ، دل خونی از سپاه پاسداران دارند با توجه به حادثه‌ی سقوط هواپیما فرصت خوبی برای تضعیف این نهاد پیدا کرده‌اند. بصیرت و هوشمندی مردم نیاز است تا شاهد تضعیف بال دیگر انقلاب نباشیم.

اعلاقه‌مندان به مطالعه پیرامون تاریخچه، ساختار و دلایل شکل‌گیری و انحلال جهاد سازندگی می‌توانند به کتاب‌های «زنده باد جهاد» از نشر الگوناگر پیشرفت و «رسم جهاد» از نشر مجله‌ی راه مراجعه کنند. آ

انقلابی هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاد. اما دلایل پنهان دیگری نیز برای انحلال جهاد ذکر شده است. از جمله تمایل قلبی مردم به جهادی‌ها به دلیل خدمات مخلصانه‌ی آن‌ها؛ که این تمایل در رای‌گیری‌های ریاست جمهوری و مجلس و... اثر می‌گذاشت. جریانی در ساختارهای دولتی از این‌که سبب رای مردم به نماینده‌های قابل اعتماد و انقلابی جهادی‌ها ریخته می‌شد ناراحت بودند. از سمت دیگر جهاد سازندگی حجم عظیمی از آبادانی را در کشور پدید آورده بود که مقایسه‌ی آن با کار دولتی‌ها ناخواسته ناکارآمدی نهادهای دولتی را به رخ همگان می‌کشید. این دلایل به طور ضمنی باعث

۱۱ بهمن ۱۳۹۰

کشتار گسترده‌ی مردم توسط نظامیان روس در رشت

نظامیان روس جمعی از مردم را در بیرون شهر رشت به دار زدند و اجساد آنان را به درون چاه انداختند. بعضی چهره‌های سرشناس شهر در میان کشته‌شدگان بودند.

۹ بهمن ۱۳۴۰

امضای پیمان تحمیلی سه جانبه بین انگلستان، شوروی و ایران در مجلس شورای ملی

پیمان اتحاد میان ایران، انگلستان و روسیه امروز در تهران به امضای سه کشور رسید و نهائی شد.

۸ بهمن ۱۳۵۷

کشتار خونین مردم به دستور ژنرال هایزر آمریکایی

امروز در تظاهرات گسترده‌ی مردم علیه رژیم پهلوی در بستن فرودگاه مهرآباد، به دستور ژنرال هایزر آمریکایی نظامیان رژیم پهلوی بر روی مردم آتش گشودند که باعث شهادت ده‌ها تن از مردم شدند.

آدم شدن محال است!

پای درس اخلاق امام...

می‌آید اگر انسان علائقش شدید باشد به دنیا و علائقش شدید باشد به زن و فرزند و مال و حیثیت و ریاست و امثال ذلک. از مصیبت‌هایی که هست در اینکه احتمالش هم انسان را ناراحت می‌کند و کمر انسان را می‌شکند، این است که در آن نزدیکی که می‌خواهند او را منتقلش کنند به یک عالم دیگری، برایش کشف می‌شود که این به دست خدای تبارک و تعالی است. و این آدم برای اینکه، خدا او را از این چیزهایی که حب به او دارد، دارد جدا می‌کند، دشمن خدا می‌شود. یکی از محترمین قزوین، ملاهای خیلی عابد قزوین- خداوند رحمتش کند- ایشان ظاهراً گفت که ما رفتیم عیادت یک نفر آدم که نزدیکهای فوتش بود. این آدم گفت که آن ظلمی را- نعوذ بالله- آن ظلمی را که خدا به من کرده است به هیچ کس نکرده. من این بچه‌هایم را چطور تربیت کردم. چطور حالا می‌خواهد مرا برد. مساله این است. آنکه کمر انسان را می‌شکند این است که حُب انسان به خودش و حُب انسان به ریاستش و حُب انسان به همه چیزهایی که موجب حُب است، انسان را برساند به آنجایی که اگر نبی اکرم هم از او بگیرد دشمن او می‌شود. و آن وقت هم که می‌فهمد خدا دارد می‌گیرد، دشمن او می‌شود. و ما تا اصلاح نکنیم خودمان را، نمی‌توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم. من نمی‌گویم که این طور باشید که خیر، از همه هواهای نفس بیرون بروید. این نه برای من و نه برای شما و نه برای الا مَنْ عَصَمَهُ اللهُ میسور نیست. لکن ما قدرت داریم که جلوی زبانمان را بگیریم، نمی‌توانیم بگوییم زبانمان اختیار ندارد. ما قدرت داریم که جلوی قلممان را بگیریم، نمی‌توانیم بگوییم قلم من اختیار ندارد. ما جلوی زبانمان را، جلوی قلممان را، جلوی عملمان را، همه را می‌توانیم بگیریم، قدرت داریم. این معنایی که می‌توانیم و قدرت داریم و به واسطه او همه مواخذه‌ها و همه گرفتاریها هست هر چه هم انسان حُب به یک کسی داشته باشد، یا بَعْض به یک کسی داشته باشد، قلمش را نگه دارد، لا اقل این قدر قدرت داشته باشد که در نوشته‌هایش دنبال این نباشد که بد از هر جا هست پیدا بشود و او بنویسد، ضعف از هر جا هست پیدا شود و او بنویسد.

امام خمینی (ره)؛ ۰۴ بهمن ۱۳۵۹

در صورت رضایت از این متن عدد ۳۵ و در غیر این صورت عدد ۳۶ را به شماره‌ی ۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵ پیامک کنید

این عالم مُلک، این عالم طبیعت یکی از مخلوقات خداست، و این عالم طبیعت هم جلوه‌ای از جلوه‌های خداست. تعلق به این عالم طبیعت، تعلق به این دنیا، این اسباب این می‌شود که انسان را مُنْحَط می‌کند. ممکن است یک کسی به یک تسبیحی آن قدر تعلق داشته باشد که یک کس دیگری به یک سلطنت این تعلق را نداشته باشد. این اولی بیشتر به دنیا چسبیده است و آن دومی کمتر. سلیمان بن داود هم سلطان بود، سلطانی که بر همه چیز حکم می‌کرد. لکن آن سلطنت یک سلطنتی نبود که دل سلطان را، دل سلیمان بن داود را به خودش جذب کند رسول اکرم هم رئیس یک ملت بود و فرمانفرمای ملت بود، لکن این فرمانفرمایی این طور نبود که او را جذب کند به خودش. فرمانفرمایی در تحت سیطره او بود، نه او در تحت سیطره فرمانفرمایی. اگر انسان سیطره پیدا بکند به حسب نفس بر خودش و بر همه چیز، این اهل دنیا دیگر نیست و لو اینکه همه دنیا هم داشته باشد، مثل حضرت سلیمان و امثال او. و اگر این سیطره نباشد و انسان در این غفلت که ما داریم باشد، این آدم اهل دنیا هست و دنیای دنی پست. دنیا و آخرت، خدا و دنیا، اینها دو چیزی است که ما وقتی تعلق به او داشتیم عالم ملک می‌شود دنیا، این دنیای من است. من وقتی تعلق به این داشتم و تحت نفوذ او بودم، تحت نفوذ و سیطره او بودم، تحت نفوذ ریاستها، تحت نفوذ مقامات بودم، همه اینها دنیاست و من خودم اسیر است.

...

انبیا زحمتشان این بود که این کفار و منافقین را و این اشخاص مُعَوَّج را و این انسان‌هایی [که] در بند اسارت خود و علایق دنیا هستند- و همه مفسد هم زیر سر همین است- اینها را می‌خواهند آزادشان کنند، و این ماموریت بسیار مشکل بوده است. و این ماموریت هم عمومی نشد که بشود. و از این به بعد هم این معنا نخواهد شد. این انسان آدم نمی‌شود تا آخر هم. یک مثل معروفی بود که می‌گفتند ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل. شیخ ما [آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی]- رحمه الله- می‌فرمود که: ملا شدن چه مشکل، آدم شدن محال است.

...

این نفسانیت این طور است و از چیزهایی که برای انسان به واسطه این نفسیت پیش

رویداد فرهنگی شهر

ده روز پایانی نمایشگاه یک ماهه‌ی کتاب اداره‌ی فرهنگ و ارشاد سرخس است و پیشنهاد می‌کنیم اگر تابحال به این نمایشگاه نرفته‌اید، این چند روز آخر را از دست ندهید. کتاب‌های مفیدی را می‌توانید بین کتاب‌های موجود در نمایشگاه پیدا کنید که تخفیف ۵۰ درصدی‌شان در این گرانی کتاب و سوسه‌کننده است. مکان: بلوار امام رضا (علیه‌السلام) غربی، اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی تا ۱۴ بهمن ۸ صبح تا ۱۳ و از ۱۶ تا ۲۲

معرفی کتاب

کتاب «آدم شدن چه مشکل!» مجموعه‌ای از مباحث خودسازی و تربیت نفس در کلام و آثار امام خمینی (ره) است که توسط نشر نازگل منتشر شده است. ادبیات این کتاب به تخصصی بودن دیگر کتب اخلاقی حضرت امام نیست و برای عموم مخاطبان قابل استفاده است. برای تهیه‌ی کتاب می‌توانید به فروشگاه کتاب افق (مصلی ۱) مراجعه نمایید.

تیتراژ

(ادامه از صفحه ۱)

می‌پیچد. جهاد همان چیزی است که فقط یک نتیجه‌اش تربیت فردی چون حاج قاسم است. جهاد همان فاطمیونی هستند که از جان و مال خودشان گذشتند برای دفاع از اسلام. جهاد همان استاد دانشگاهی است که در راه قدرت اسلام پژوهش می‌کند؛ همان کارمندی که در راه خدمت به مسلمانان تعهد کاری‌اش را جدی می‌گیرد. جهاد همان زن خانه‌داری است که تربیت دینی و معرفتی فرزندان را باهمت جلو می‌برد و نسلی معتقد تحویل اسلام می‌دهد. جهاد را نباید محصور در گروه‌های جهادی تابستان و عید دید. جهاد آن طوری که بزرگان دین معنا کرده‌اند یعنی مبارزه با دشمن. دشمنی که مقابل دین خدا ایستاده و به خاطر منافع خودش عده‌ای را به استضعاف کشانده است. البته که این دشمن هم در داخل کشور اسلامی حضور دارد و هم در خارج آن. این مفهوم از جهاد- که هر کسی در هر قشری وظیفه‌ی دینی خودش را تلاش برای مبارزه با دشمن می‌داند و در این راه حرکت می‌کند- با آرمان‌های دروغین و مزورانه‌ی غربی قابل قیاس نیست. همین ابزارهای اسلامی مثل جهاد است که امید به قدرت و قوت را در دل مستضعفین روشن نگه‌داشته است؛ که اگر قرار به رسیدن به قدرت با ابزارهای غربی بود فاصله‌ی دوپست‌ساله‌ی استعمار با مستعمره‌هایش هیچ‌گاه پر نمی‌شد.

گفتمان در فضای مجازی (بله، تلگرام):
@gofteman_sarakhs

شماره‌ی پیامک نشریه‌ی گفتمان:
۰۹۰۲ ۵۸۵ ۵۷۹۵

هزینه‌ی چاپ این نشریه از محل بودجه‌ی فرهنگی این مملکت و برای اعتلای اندیشه و فرهنگ مردمان تهیه شده است. لطفاً بعد از مطالعه، آن را در اختیار سایر هم‌جبهه‌ای‌ها قرار دهید.